

الگوی مدیریتی در سیره حضرت نوح (ع)

محمد رضا شیری^۱، سعید قاسمی^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۱۱/۴ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱۲/۱۸)

چکیده

حضرت نوح (ع) اولین پیغمبر اولوالعزم است که خدای عزوجل او را با کتاب و شریعت فرستاده است. بنابراین، کتاب او اولین کتاب آسمانی است. آن جناب نهصد و پنجاه سال مشغول دعوت قوم خود بوده، ولی قوم او جز به استهزاء و نسبت جنون به او دادن عکس‌العملی از خود نشان ندادند تا آنکه در آخر از پروردگار خود یاری طلبید. نوح پس از امر الهی و با تائید و تسدید خداوند، مشغول ساخت کشتی شد و پس از اتمام، امر خدای تعالی مبنی بر نزول عذاب و طوفان سهمگین صادر شد و به جز افرادی که مقدر شده بود، همگی هلاک شدند. این ماجرای که بسیار ساده به نظر می‌رسد آیات زیادی از قرآن را به خود اختصاص داده و ویژگی‌هایی دارد که در سرگذشت انبیاء دیگر به ندرت یافت می‌شود. در این پژوهش سؤال این بوده که الگوی مدیریتی حضرت نوح (ع) چه بوده است؟ این پژوهش با رویکرد کیفی و روش تفسیری با اجتهاد نوع دوم انجام شده و برای تحلیل داده‌ها از روش داده بنیاد استفاده شده است. همچنین برای جمع‌آوری داده‌ها از روش‌های کتابخانه‌ای و رسانه‌ها و در نهایت، سه قضیه به عنوان الگوی مدیریتی حضرت نوح (ع) احصاء شده است.

کلید واژه‌ها: مدیریت، مدیریت اسلامی، حضرت نوح (ع)، الگوی مدیریتی، سیره.

۱. مدرس دانشگاه و دانشجوی دکتری مدیریت آینده پژوهی دانشگاه عالی دفاع ملی، (نویسنده مسئول مشترک)؛
publicemail1392@gmail.com
۲. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان، (نویسنده مسئول مشترک)

مقدمه

در بحث مربوط به مدیریت گاهی مدیریت را به مفهوم خاص مدیریت سازمان‌ها که امروز در کتب مربوط به مدیریت مطرح است گرفته‌اند و گاهی به مفهوم عام آن که شامل رهبری و هدایت در هر سطح و برای هر مجموعه‌ای از انسان‌ها می‌گردد. درباره مدیریت، تعریفی که مورد قبول عام باشد، در دست نیست. صاحب‌نظران و مؤلفان مدیریت با هدف‌ها و سوگیری‌های مختلف، تعاریف گوناگونی ارائه داده‌اند. مدیر در لغت به معنای «دوردهنده، گرداننده و اداره کننده» است. (حسینی دشتی، ۲۴۷) در تعریف «مدیریت» نیز چنین آمده «فرایند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و براساس نظام ارزشی مورد قبول صورت می‌گیرد.» (رضائیان، ۱۳۸۹)

در اسلام مدیریت و رهبری به عنوان یک اصل ضروری و اجتناب‌ناپذیر برای ادامه حیات انسان به حساب آمده است. قرآن و احادیث و روایات اسلامی، رهبری را در دو جهت الهی و شیطانی مورد بحث قرار داده‌اند و سرنوشت انسان را با میزان اطاعت از رهبرانی که آن‌ها را به سوی حق و حقیقت دعوت کرده‌اند و یا آنان را به سوی دوزخ و شقاوت می‌خوانند وابسته می‌دانند. برای نشان دادن اهمیت رهبری و مدیریت از نظر اسلام به آیاتی از قرآن کریم اشاره می‌گردد:

در قرآن مجید این چنین آمده: «فَالْمُدْبِرَاتِ أَمْرًا»؛ «و کار [بندگان] را تدبیر می‌کنند» (النازعات، ۱) خداوند در این آیه به فرشتگان اداره کننده کارها سوگند یاد می‌کند، خداوند خود نیز مدیر است همان‌طور که در دعای جوشن کبیر بند ۲۵ آمده است. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ یَا مَصَوْرُیَا مُقَدَّرُ یَا مُدَبِّرُ... «خدایا از تو درخواست می‌کنم بنام تو ای صورت آفرین، ای تقدیر کننده، ای تدبیرکننده...» بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که اولاً تدبیر یکی از خصوصیات احدیت است ثانیاً آن قدر این امر مهم است که خداوند به تدبیر کنندگان سوگند

یاد می‌کند. و تدبیر در امر یعنی به عاقبت کار نگاه کردن، معنی لغوی تدبیر پشت سر گذاشتن چیزی است. همچنین خداوند اولین انسانی را که خلق نمود به عنوان خلیفه خود در روی زمین قرار داد و به عبارت دیگر رهبری و هدایت آن قدر مهم است که قبل از شروع زندگی بشر در زمین، خداوند حضرت آدم را به عنوان خلیفه‌الله که به صورت رهبر و حجت خدا و پیغمبر است می‌فرستد در حالی که مسیر عادی تکامل ایجاب می‌کرد که گروهی از انسان‌ها بیایند و پس از طی مراحل ترقی و تکامل، از میان آن‌ها یکی به مرحله نبوت و پیغمبری برسد.

بیان مسئله، اهمیت و ضرورت

حضرت نوح (ع) اولین پیامبر اولوالعزم است که رسالت جهانی و کتاب و شریعت داشت و علیه شرک و بت‌پرستی قیام کرد و چون نسل بشر پس از غرق شدن کفار، همه از حضرت نوح و همراهان اوست، لذا او را پدر دوّم گفته‌اند و چون عمرش از همه‌ی پیامبران بیشتر بوده است، او را «شیخ‌الانبیاء» خوانده‌اند. نسب حضرت نوح (ع) به این شرح ذکر شده است: نوح (ع) بن لامک بن متوشلخ بن آخوخ - و هو ادریس (ع) - بن یارد بن مهلائیل بن قینان بن أنوش بن شیث بن آدم. (بلاذری، ۳/۱) داستان حضرت نوح (ع) در ۶ سوره از قرآن کریم آمده است، اعراف، هود، مؤمنون، شعرا، قمر، نوح که مفصل‌ترین آن‌ها در همین سوره (هود) است. با اینکه نام حضرت نوح (ع) ۴۰ مرتبه در قرآن آمده، اما از محل تولّد، مسکن، شغل، وفات و محل دفن او چیزی نیامده است. زیرا آنچه برای ما درس و بهره است، همان رفتار و برخوردهای اوست. مدّت رسالت آن حضرت، ۹۵۰ سال بوده است، وقتی در پایان، خداوند به او فرمود: کسی به رسالت تو ایمان نخواهد آورد، مأیوس شد و نفرین کرد و در نتیجه، حتّی زن و فرزندش که در راه او نبودند، به همراه کفار غرق شدند. در نگاه به مدیریت متعالی، مدیریت پیامبر گرامی اسلام (ص)، امیرالمؤمنین (ع) و جندی از ائمه و پیامبران دیگر مورد بررسی قرار گرفته، اما توجه کمتری به اصول متعالی

در مدیریت حضرت نوح (ع) شده تا جایی که حتی نقدهای غیرعلمی به مدیریت این پیامبر عظیم‌الشان شده است. یکی از مواردی که در خصوص حضرت نوح (ع) مطرح است این است که توسط ایشان حکومتی تشکیل نشده که بتوان اصول مدیریتی متعالی را از آن استخراج کرد. این پژوهش با توجه به اینکه حضرت نوح (ع) رسالتی از جانب خداوند متعال بر عهده داشتند و مردم زمان بسیار در هدایت، سخت بودند به دنبال آن است که شیوه‌های مدیریتی این بزرگوار در راه رسیدن به رسالت خویش را احصاء نماید. در واقع هدف این پژوهش این است که لایه‌های متعالی مدیریتی حضرت نوح (ع) مورد بررسی قرار گیرد.

روش‌شناسی، سؤالات و اهداف

ملاک دستیابی به فهم صحیح در سیره پیامبران، به کارگیری قرآن، نقل و عقل است یعنی یکی از مراجع مهم آن، در درجه اول، قرآن کریم و پس از آن روایات معصومین (ع) است. بهترین روش استفاده از این‌گونه متون در پژوهش، روش تفسیری خواهد بود و دیگر روش‌ها فاقد راهکار کامل‌تری برای مراجعه به متون مقدس هستند. لذا این مقاله با رویکرد کیفی و به روش تفسیری تحلیلی (استنباطی حکمی) نگاشته شده که در آن اجتهاد از نوع دوم انجام شده است. مهم‌ترین اصل در این روش این ادعاست که متن، امری بالقوه و در انتظار خواننده‌ای است تا آن را به فضیلت برساند یا به تعبیر دیگر متن آکنده از خلأهایی است که خواننده باید آن را پر کند از این‌رو متن بدون خواننده‌ای که این خلأها را پر کند غیرقابل فهم می‌ماند (قائمی‌نیا، ۱۷۲). در حقیقت در روش تفسیری مناسب تخصص و نیاز خواننده پیام و مفهوم متن برانگیخته می‌شود و این یعنی هر متن مکتوبی از دیگر انواع تعبیر به علت پیچیدگی بیش از حدش جدا می‌شود و این پیچیدگی نه به خاطر چیزهایی است که متن گفته است بلکه بیشتر به خاطر چیزهایی است که متن نگفته است. (همانجا، ۱۷۳) به تعبیر دیگر هر متنی بخشی آشکار و بخشی پنهان دارد، بخش ظاهری همان چیزهایی است که متن گفته است اما بخش پنهان به اصطلاحی اطلاق می‌شود که

خواننده می‌تواند بر اساس دانسته‌های خودش از متن به دست بیاورد. بخش پنهان متن همواره وسیع‌تر از بخش آشکار و پیدای آن است. (همانجا، ۱۷۹) اما تفسیر را مرحوم طبرسی در مجمع‌البیان «تفسیر کشف مراد از لفظ مشکل می‌داند» (قائمی‌نیا، ۱۸۲).

روش جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع علمی اعم از کتب، مقالات و رسانه‌های گروهی است که از روش مصاحبه نیز برای به دست آوردن روایی و پایایی استفاده خواهد شد. لازم است مصاحبه شوندگان در این پژوهش جامع ویژگی‌های تخصصی مربوط باشند. فردی که مورد مصاحبه واقع می‌شود باید در حوزه‌های قرآن، تاریخ انبیاء و علم مدیریت تخصص مورد نیاز را داشته باشد.

برای تحلیل داده‌ها نیز از روش داده بنیاد بهره‌برداری خواهد شد. متغیر مستقل پژوهش، «مدیریت» است که در «سیره حضرت نوح (ع)» که متغیر وابسته است مورد بررسی قرار خواهد گرفت. هدف اصلی استخراج سبک مدیریتی حضرت نوح (ع) بوده و در واقع به سؤال اصلی ذیل باید پاسخ داده شود که: شیوه‌های مدیریتی حضرت نوح (ع) در اجرای رسالت خود، چه بوده است؟

روش‌شناسی مدیریت در سیره حضرت نوح (ع)

پیش‌فرض‌های علوم مدیریت رایج غالباً همان پیش‌فرض‌های ارزشی و فرهنگی جامعه غرب است. مدیریت در سیره حضرت نوح (ع) با مبنا قرار دادن ارزش‌های وحیانی، بعد هنجاری را در روش‌شناسی برجسته و ضروری جلوه می‌دهد.

ریشه‌ی چندگونگی جهان‌بینی‌ها و جهان‌شناسی‌ها را باید در شناخت‌شناسی‌ها یا آنچه امروزه نظریه معرفت و یا شناخت نامیده می‌شود جستجو کرد. یکی می‌گوید جهان را از طریق عقل باید شناخت، دیگری می‌گوید از راه حواس و سومی می‌گوید از راه تزکیه نفس، اشراق و الهام. (مقیمی، ۸۱) به اعتقاد علاوه قطب‌الدین شیرازی، علم و معرفت صفتی است که نفس بدان متّصف شده و ملکه‌ای می‌شود که به واسطه آن شخص قادر می‌گردد تا

عملی را با هدف و غرضی و به اندازه توانایی اش انجام دهد. (یوسفی‌راد، ۲۵) با استفاده از آیه ۸ سوره حج، چهار راه برای شناخت وجود دارد: ۱- راه حس (این راه برای همگان باز است)؛ ۲- راه عقل (خواص توان پیمودن آن را دارند)؛ ۳- راه تهذیب و تزکیه (این راه برای عارفان گشاده است)؛ ۴- راه کتاب منیر و راه وحی (این راه مختص انبیای الهی است). البته بین راه سوم و چهارم تفاوت جوهری وجود ندارد، جز آنکه راه چهارم با عصمت همراه است و از آسیب سهو، نیرسان و خطا مصون است. (جوادی آملی، ۲۱۵-۲۱۶) خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ»؛ (النساء، ۱۶۳) ما به تو وحی کردیم چنانکه به نوح و پیامبران پس از او نیز وحی نمودیم.

ویژگی‌های مدیر متعالی با نگاه به سیره حضرت نوح (ع)

ذیلاً مؤلفه‌هایی از مدیریت متعالی با توجه به سیره نوح که در قرآن ذکر شده ذکر می‌شود:

۱- تقوای الهی و مدیریت با تکیه بر خدا در مقابل مدیریت با تکیه بر کوه

زمانی که طوفان شروع شد، حضرت نوح به پسرش خطاب می‌کند که همراه او شود، او در جواب می‌گوید:

«قَالَ سَأَوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ»؛ (سوره هود، ۴۳) (پسر نوح) گفت: به‌زودی به کوهی پناه می‌برم تا مرا از آب حفظ کند. (نوح) گفت: امروز جز (برای افراد مؤمن) و کسانی که مورد رحم قرار گرفته‌اند، هیچ حافظ (و پناهگاهی) در مقابل قهر الهی نیست. (در این هنگام) موجی میان آن دو جدایی انداخت و او (پسر نوح) غرق گردید.

یاد خدا در همه اقدامات حضرت نوح (ع) کاملاً بارز است: در دعوت به توحید. «اعْبُدُوا اللَّهَ» (المؤمنون، ۲۳)؛ در ساختن کشتی با الهام خداوند. «اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا» (المؤمنون، ۲۷)؛ در سوار شدن، با حمد الهی. «فَإِذَا اسْتَوَيْتَ ... فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ»

(المؤمنون، ۲۸) در حرکت با نام خدا. «بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَ مَرْسَاهَا» (سوره هود، ۴۱) و در توقف، با دعا به درگاه او. «رَبِّ أَنْزِلْنِي» (المؤمنون، ۲۹). در دستگاه مدیریتی نوح(ع) ملاک برتری و فضیلت، ایمان و تقواست. آنجا که از نوح(ع) می‌خواهند طبقه بی‌بضاعت و گمنام را که طبعاً طبقه کشاورزان و کارگران بودند، از اطراف خود طرد نماید، چنان چه از آیه ۳۰ سوره مبارکه هود بر می‌آید او با قاطعیت تمام با این کار مخالفت می‌کند و یادآور می‌شود که اگر چنین نماید، از ستمگران خواهد بود.

۲- رفق و مدارا

حضرت نوح (ع) ۹۵۰ سال مردم را دعوت به توحید کرد، «أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا» (العنکبوت، ۱۴) آن‌ها نه تنها ایمان نیاوردند، بلکه از آن حضرت دوری کرده، «فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا» (سوره نوح، ۶) و او را مورد آزار و شکنجه قرار می‌دادند. به قدری می‌زدند که بی‌هوش بر زمین می‌افتاد؛ اما هنگامی که به هوش می‌آمد می‌گفت: «اللَّهُمَّ اهْدِ قَوْمِي فَانَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» خدایا! قوم مرا هدایت کن که آنان ناآگاهند. (طبرسی، ۴/۶۶۸)

۳- الفت و محبت و مدیریت برادرانه و دور از تبعیض

اخلاق و رفتار حضرت نوح(ع) با مردم زمان خود، برادرانه بوده است. «إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ * إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُونِ * وَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ» (الشعراء، ۱۰۶-۱۰۹)؛ زمانی که برادرشان نوح به آنان گفت: آیا (از خدا) پروا نمی‌کنید؟ همانا من برای شما پیامبری امین هستم. پس، از خداوند پروا کنید و اطاعت نمايید؛ و من برای این رسالت هیچ مزدی از شما درخواست نمی‌کنم، پاداش من جز بر پروردگار جهانیان نیست. اما این برادری تبعیض پذیر نبوده و بالعکس تبعیض‌های غلط اجتماعی را از بین می‌برد. «قَالُوا أَنْتُمْ لَكُمْ وَ اتَّبَعَكَ الْأَرْذُلُونَ» (قرآنی، ۶/۳۴۰)

۴- تحت تأثیر همسر و فرزند نبودن در مدیریت

این موضوع آن قدر مهم بوده که آیاتی از قرآن به آن تعلق گرفته است. آنگاه که قرآن نمونه‌هایی از انسان‌های خوب و بد را ارائه می‌دهد، پیوسته از آن نوع بارز، کمک می‌گیرد. وقتی که اسوه‌های تقوا و پاکی را مطرح می‌نماید، از همسر فرعون (آسیه) و مریم دختر عمران نام می‌برد. آنجا که از الگوهای فساد و خیانت سخن می‌گوید، نوع بارز آن را که همسران دو انسان صالح، نوح و لوط بوده‌اند، نشان می‌دهد در حالی که آنان، در کانون نور و پاکی زندگی می‌کردند، ولی ظلمت و تاریکی بر روح و روان آنان، حاکم بود و با اینکه با صالحان ارتباط ظاهری و جسمی داشتند، ولی این مجالست آنان را نجات نداد، چنانکه می‌فرماید: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَاتَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِّنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ» (التحریم، ۱۰)؛ خدا برای افراد کافر همسران نوح و لوط را نمونه آورده است، آنان در اختیار دو بنده از بندگان صالح ما بودند، ولی به آن دو خیانت ورزیدند و مصاحبت با دو بنده صالح، آنان را از عذاب الهی نجات نداد و به آنان گفته شد با دوزخیان وارد آتش شوید. (سبحانی تبریزی، ۱۴۸)

۵- سعه صدر و دفع بدی با خوبی

نمونه‌ی «بلد خبیث» که در آیه‌ی ۵۸ سوره اعراف مطرح است، قوم نوح (ع) بوده‌اند که هر چه حضرت فریاد زد، به جایی نرسید. داستان حضرت نوح (ع) در سوره‌های نوح، صافات، اسراء، احزاب، یونس، مؤمنون و قمر آمده است. دعوت حضرت نوح (ع) جهانی بود، چون قوم او همه‌ی مردم آن روز زمین بودند و حضرت در نفرین خود همه‌ی کافران روی زمین را نفرین کرد و همه‌ی جهانیان غرق شدند. حتی مخالفین نوح او را تهدید به شکنجه کردند: «لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ» (الشعراء، ۱۱۶) به نوح گفتند: تو از سنگسار شدگانی.

۶- شکر الهی در اقدامات مدیریتی

حضرت نوح (ع) پس از نجات از قوم ظالم، «الْحَمْدُ لِلَّهِ» گفت. (المؤمنون، ۲۸) در

روایتی از امام صادق(ص) ذیل آیه «ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا» (الاسراء، ۳) آمده: برای این آن حضرت را عبد شکور نامیدند که در صبح و شام این دعا را می خواند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْتَ مَا أَصْبَحَ وَأَمْسَى بِي مِنْ نِعْمَةٍ وَعَافِيَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَيَّ حَتَّى تَرْضَى وَ بَعْدَ الرِّضَا» (ابن بابویه، ۳۳۵/۱)

اصول مدیریتی حضرت نوح (ع)

با مطالعه آیات مربوط به سیره حضرت نوح در قرآن می توان اصولی را به عنوان اصول مدیریتی در سیره آن حضرت استخراج کرد به شرح:

۱- تعیین هدف

اصل و پایه اساسی در مدیریت عبارت است از تعیین هدف نهایی و غایی به طوری که نتیجه نهایی به طور راهبردی مطرح می شود و بقیه عوامل از جمله مدیریت، جزء ابزار برای رسیدن به نتیجه نهایی منظور می شود. (مشبکی، ۱۴۳)

آن چنانکه از متون اسلامی می فهمیم هدف در مدیریت اسلامی عبارت است از رشد انسان ها به طوری که انسانیت جایگاه ویژه خود را در جان انسان ها و اجتماعات بیابد. (اسلامی، ۱۴) با نگاه به سیره حضرت نوح(ع) و با استناد به آیات قرآن که در ویژگی های مدیر ارائه شد داشتن هدف مشخص رشد و تعالی انسانیت از ابتدا تا انتهای مدیریت این پیامبر عظیم الشان به وضوح روشن است.

۲- خدامحور بودن اقدامات مدیریتی

در سر لوحه ی کار و عمل همه ی انبیا «بِسْمِ اللَّهِ» قرار داشت. وقتی کشتی حضرت نوح در میان امواج طوفان به راه افتاد، نوح ع به یاران خود گفت: سوار شوید که «بِسْمِ اللَّهِ» مَجْرَاهَا وَ مُرْسَاهَا» یعنی حرکت و توقف این کشتی با نام خداست. امام باقر (ع) فرمود:

حضرت آدم و سلیمان و نوح (ع) نیز دور همین کعبه، حج انجام داده‌اند. (بحرانی، ۳۰۰/۱) اساس ادیان توحیدی در طول تاریخ، یکی بوده است. حضرت نوح(ع) خود را مسلمان دانسته است: «أَمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (سوره یونس، ۷۲).

۳- اولویت‌بندی در مدیریت

با اینکه رسالت نوح(ع) جهانی بود، ابتدا از قوم خود شروع کرد. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ»؛ (الاعراف، ۵۹) همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم. پس به مردم گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید که جز او برای شما خدا و معبودی نیست. همانا من بر شما از عذاب روزی بزرگ بیمناکم.

۴- عدم به کارگیری وعده غیرمعقول در مدیریت

«وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ إِنِّي إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ»؛ (سوره هود، ۳۱) (نوح گفت): من به شما نمی‌گویم که گنجینه‌های الهی نزد من است و نه (می‌گویم که از پیش خود) غیب می‌دانم و نمی‌گویم که من فرشته‌ام و نمی‌گویم آن کسانی که در پیش چشم شما خوارند، خداوند هرگز به آنان خیری نخواهد رساند، (بلکه) خداوند به آنچه در دل آن‌هاست آگاه‌تر است. (اگر چیزی جز این بگویم)، قطعاً از ستمکاران خواهم بود.

و یا حضرت نوح(ع) در پاسخ به کسانی که به وی اعتراض می‌کنند و می‌گویند کسانی که از تو تبعیت می‌کنند از طبقه آردلون هستند پاسخ می‌دهد: «وَايَا قَوْمٍ مَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتَهُمْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ»؛ (سوره هود، ۳۰) (نوح در جواب تقاضای طرد مؤمنان تهنی دست و گمنام گفت): ای مردم! اگر من آنان را (از خود) برانم، چه کسی مرا در برابر خدا یاری خواهد کرد؟ چرا اندیشه نمی‌کنید؟

۵- حاکمیت ضابطه نه رابطه در مدیریت و عدم شفاعت بی قید و شرط نزدیکان

ضابطه نه رابطه، پیوندهای مکتبی، بر روابط خانوادگی حاکم است. زن و فرزند نوح، حق سوار شدن به کشتی را نداشتند. «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ» (سوره هود ۴۰ و نیز نک: قرائتی، ج ۴، ۵۹) با توجه به آیات قرآن، معلوم می‌شود که شفاعت بی قید و شرط نیست و شفاعت به اجازه و اذن خداست و شفاعت شونده، باید واجد شرایطی باشد و اگر کسی شرایط شفاعت را دارا نباشد، هر چند همسر پیامبر خدا باشد، مورد شفاعت قرار نمی‌گیرد. چنانکه همسر نوح و لوط (ع) به علت فسق، مشمول شفاعت نشدند. «فَخَاتَمَتُهُمَا فَلَمْ يُعْتَبِا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ» (التحریم، ۱۰)؛ و به آن‌ها خیانت کردند و کاری از دست [شوهران] آن‌ها در برابر خدا ساخته نبود و گفته شد با داخل شوندگان داخل آتش شوید.

۶- توجه به محیط زیست و سلامت موجودات در مدیریت

یکی دیگر از اصول مدیریتی که در ماجرای حضرت نوح به چشم می‌خورد، توجه به محیط زیست است. خداوند می‌فرماید: «احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ» (سوره هود، ۴۰) این آیه بیانگر این است که نسل حیوانات و موجودات زنده باید حفظ شود. (قرائتی، ۴/۵۹)

۷- نظارت و کنترل

تعاریف متعدّد و گوناگونی از کنترل و نظارت شده است. «استیفن رابینز» کنترل و نظارت را این‌گونه تعریف می‌کند: «فرآیند تحت نظر قرار دادن فعالیت‌ها، به منظور حصول اطمینان از اینکه آن‌ها همان‌گونه که برنامه‌ریزی شده‌اند، انجام می‌شوند و اصلاح انحرافات قابل ملاحظه و مهم» (Stoner & Edward, 600)

مدیران هرگز نمی‌توانند مطمئن باشند که رویدادها بر طبق برنامه به وقوع خواهند

پیوست و حرکت همه عوامل دست‌اند کار سازمان، به سمت اهداف تعیین شده می‌باشند؛ چرا که پیش‌بینی‌ها و برنامه‌های عملیاتی سازمان همواره با درصدی از خطا همراه است. به منظور مصون ماندن از خطا یا کاهش میزان آن و اصلاح عملکرد ضروری است که از فرآیند کنترل و نظارت استفاده کنند. (الوانی و همکاران، ۲۶۷)

هر مدیریتی نیازمند کنترل و نظارت است. حضرت نوح (ع) که برای رسالت بزرگی برانگیخته شده بود و دستورالعمل‌هایی از طرف خداوند به ایشان نازل شده بود برای رسیدن به مقصود خویش از نظارت و کنترل بهره می‌برد. خداوند می‌فرماید: «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا» (الشوری، ۱۳).

اصول مدیریت حاکمیتی حضرت نوح (ع)

علاوه بر موارد ذکر شده می‌توان از اصول دیگری تحت عنوان اصول مدیریت حاکمیتی در سیره حضرت نوح یاد کرد به شرح:

۱- مبارزه نرم صبورانه، عالمانه و با زبان نرم در مقابل مخالفین

شروع به استهزا ناپسنداست، اما برای کیفر مسخره کننده و مقابله به مثل، استهزای او عین عدل است. در برابر استهزای دشمنان باید عکس‌العمل نشان داد. «وَيَصْنَعُ الْفُلُكَ وَ كَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ» (سوره هود، ۳۸)؛ و نوح (به فرمان الهی) مشغول ساختن کشتی شد. (اما) هر زمان که اشراف قومش بر او می‌گذشتند، او را مسخره می‌کردند. (او) گفت: اگر شما ما را مسخره کنید، ما (نیز) قطعاً همین گونه شما را مسخره خواهیم کرد.

کسی که در پی پدید آوردن نظام توحیدی و براندازی نظام شرک است، باید انتظار هرگونه تهمت و توهین را داشته باشد و مخالفان، در تهمت‌زدن سخت و جدی هستند. «قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (الاعراف، ۶۰)؛ سران قوم او گفتند: همانا ما تو را

در گمراهی آشکاری می‌بینیم. عکس‌العمل حضرت نوح به آن‌ها را در آیات بعد می‌توان مورد بررسی قرار داد: «قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ» (الاعراف، ۶۱)؛ (نوح) گفت: ای قوم من! در من هیچ گونه انحراف و گمراهی نیست، بلکه من فرستاده‌ای از سوی پروردگار جهانیانم. «أَبْلُغْكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحْ لَكُمْ وَأَعْلَمْ مِّنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»؛ پیام‌های پروردگارم را به شما می‌رسانم و خیرخواه و دلسوز شمایم و از (جانب) خدا چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید (الاعراف، ۶۲). کلمه‌ی «نصح»، به معنای خالص و بی‌غل و غش بودن است. به سخنانی که از روی خلوص نیت و خیرخواهی گفته شود. (مکارم شیرازی، ۲۲۱/۶) لذا مدیریت حضرت نوح (ع) هم خیرخواهانه و دلسوزانه است و هم برخوردار از علم و آگاهی کافی.

۲- استقامت در اقدام نرم علیه اقدام نرم مخالفین

مجموع گفتگوهای قوم نوح (ع) را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: ۱- اتهام‌ها؛ ۲- اعتراض‌ها کلیه تهمت‌های چهارگانه، که متوجه نوح ساخته‌اند، همگی حاکی از پیراستگی او از نقاط ضعف اجتماعی و اخلاقی است. اگر او نقطه ضعف اخلاقی و اجتماعی داشت، حتماً آن را به رخ او می‌کشیدند، اما برگ‌های زندگانی او، به قدری پاک بود که نتوانستند او را به این نوع از تهمت‌ها متهم سازند؛ ناچار شدند سراغ یک رشته اتهاماتی بروند که هیچ مصلحتی در جهان از آن بی‌نصیب نیست؛ تهمت‌هایی که اثبات و نفی آن، هر دو، مشکل است. (سبحانی تبریزی، ۱۲۰)

الف - اتهام‌ها: نخستین پیامبر صاحب شریعت را به امور یاد شده در زیر، متهم نمودند:

۱- اتهام به جنون: «فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ» (القمر، ۹)؛ بنده ما را تکذیب کردند و گفتند دیوانه است و آسیب دیده است. در جای دیگر آمده است: «إِنَّهُ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فَتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ» (المؤمنون، ۲۵)؛ اشراف قوم او گفتند: او مردی دیوانه است صبر کنید تا عمرش سر آید. ۲- اتهام به دروغ‌گویی: «بَلْ نَطْنُقُكُمْ كَافِرِينَ» (هود، ۲۷)؛ بلکه

شماها را دروغ‌گویان می‌پنداریم. اما چرا و به چه دلیل؟ چیزی در کنار آن ذکر نمی‌کردند. ۳- اتهام به گمراهی: «قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (الاعراف، ۶۰)؛ اشراف قوم او گفتند ما تو را در گمراهی آشکار می‌بینیم. ۴- تهمت برتری طلبی: «وَمَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ» (هود، ۲۷)؛ و ما برای شما برتری نمی‌بینیم. و نیز می‌گفتند: «قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ... يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ» (المؤمنون، ۲۴)؛ اشراف کافر قوم او گفتند: نوح می‌خواهد بر شما برتری بجوید.

نوح (ع) در ردّ تهمتها پاسخ جامعی گفته است. و اما عکس‌العمل ایشان این چنین بوده که: «قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَآتَانِي رَحْمَةً مِنْ عِنْدِي فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنُلْزِمُكُمْوهَا وَ أَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ» (هود، ۲۸)؛ (نوح به قوم خود) گفت: آیا اگر ببینید که من بر دلیل روشنی از طرف پروردگارم باشم و او از نزد خودش، رحمت (ویژه‌ی نبوت) را به من داده باشد که بر شما مخفی مانده است، (آیا باز هم سرپیچی می‌کنید؟) آیا شما را به پذیرش آن وادار کنیم، در حالی که نسبت به آن کراهت دارید؟

۳- عدم سستی مدیر با وجود تعداد کم حامیان

خداوند می‌فرماید: «فَكَذَّبُوهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَ مَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَ جَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَ أَعْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُتَكذِّبِينَ» (یونس، ۱۳)؛ پس او (نوح) را تکذیب کردند، آنگاه ما او و کسانی که در کشتی همراه او بودند را نجات دادیم و آنان را جانشتین (در زمین) قرار دادیم و همه‌ی کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، غرق ساختیم. پس بنگر که پایان کار هشدار داده شدگان چگونه بود! یاران نوح هشتاد نفر بودند و کافران بسیار، اما به امداد الهی، کافران نابود و مؤمنان وارث زمین گشتند. (طبرسی، ۱۸۷/۵)

۴- مذاکره قهرمانانه نوح با دشمنان با هدف ارشاد نه دفع شر

جدال نیکو که سیره‌ی انبیاست و نوعی گفتگو و تلاش برای ارشاد مردم است. چنان‌که

کَفَّارٌ بِهِ حَضْرَتِ نُوْحٍ (ع) مِیْ گُفْتَنْد: تُوْ بَرای اَرْشَاد مآ بَسِیَار جَدَل و تَلَاش مِیْ کُنِی. «یَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَآکْثَرْتَ جِدَالَنَا» (هُود، ۳۲)

۵- عدم طرد خودی‌های فقیر به بهانه دفع شر بیگانگان غنی

خداوند می‌فرماید: «وَاِیَّ قَوْمٍ لَا اَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ مَالًا اِنْ اُجْرِيَ اِلَّا عَلَی اللّٰهِ وَ مَا اَنَا بِطَارِدِ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا اِنَّهُمْ مُّلاَقُوْا رَبِّهِمْ وَ لَکِنِّیْ اُرَاکُمْ قَوْمًا تَجْهَلُوْنَ» (هُود، ۲۹)؛ (نوح ادامه داد که) ای قوم من! از شما در برابر این دعوت، اجرتی درخواست نمی‌کنم، پاداش من تنها بر خداست و من کسانی را که ایمان آورده‌اند (به خاطر خواست نابجای شما) طرد نمی‌کنم، (چرا که) آنان پروردگارشان را ملاقات خواهند کرد (و از من شکایت خواهند نمود)، ولی من شما را قوم جاهلی می‌بینم.

نوح (ع) در پاسخ به اینکه پیروان او را افراد تهی‌دست و بی‌نام و نشان، تشکیل می‌دهند؛ این‌گونه پاسخ می‌دهد که: ۱- من پیامبر مال و ثروت نیستم که ثروتمندان را بپذیرم و تهی‌دستان را طرد کنم. من پیامبر الهی هستم و برای هدایت همه طبقات آمده‌ام، به همین دلیل از شما اجر و پاداش نمی‌طلبم، از این‌رو درخواست شما، نشانه جهلتان به اهداف رسالت است. قرآن به این پاسخ چنین اشاره می‌کند: «وَاِیَّ قَوْمٍ لَا اَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ مَالًا اِنْ اُجْرِيَ اِلَّا عَلَی اللّٰهِ وَ مَا اَنَا بِطَارِدِ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا اِنَّهُمْ مُّلاَقُوْا رَبِّهِمْ وَ لَکِنِّیْ اُرَاکُمْ قَوْمًا تَجْهَلُوْنَ». (همانجا) ای قوم! من در برابر دعوت خود مالی از شما نمی‌خواهم، پاداش من بر خداست. من افراد با ایمان را طرد نمی‌کنم. آنان با پروردگار خود ملاقات می‌کنند (پاداش اعمال خود را دریافت می‌نمایند) من شما را قومی نادان می‌بینم. ۲- در مکتب الهی ارزش انسان به ایمان اوست. کسانی را که شما با دیده حقارت به آن‌ها می‌نگرید، به دلیل ایمانشان در نزد خدا، مقام و پاداش دارند و خدا از باطن آن‌ها آگاه است. قرآن به این پاسخ چنین اشاره دارد: «وَلَا اَقُوْلُ لِّلَّذِیْنَ تَزْدَرِیْ اَعْیُنُکُمْ لَنْ یُّؤْتِیَهُمُ اللّٰهُ خَیْرًا اللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا فِیْ اَنْفُسِهِمْ اِنِّیْ اِذَا لَمِنَ الظّٰلِمِیْنَ» (هُود، ۳۱)؛ من درباره کسانی که شما به دیده حقارت به

آنان می‌نگرید، نمی‌گویم خدا به آنان خیر و پاداش نخواهد داد. خدا از درون آنان آگاه‌تر است. اگر با آنان چنین رفتار کنم از ستمکاران خواهم بود. ۳- اگر این گروه در گذشته — پیش از ایمان به من — از نظر شما کارهای ناروایی انجام داده باشند، سبب نمی‌شود اکنون که در جرگه مؤمنان قرار دارند، آنان را طرد نمایم.

۶- اقدام سخت علیه دشمن آخرین گزینه است

مبارزه نرم اولویت نوح (ع) بوده و مقابله سخت به خواست دشمن آغاز شده است. درواقع پایان دادن به مذاکرات و روی آوردن به اقدام سخت توسط دشمن انجام گرفته است. «قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ» (هود، ۳۲)؛ (مخالفان) گفتند: ای نوح! تو واقعاً با ما جدال و جرّ و بحث زیادی نمودی، (اکنون دیگر بس است) اگر راست می‌گویی، آنچه را (از عذاب الهی) که به ما وعده می‌دهی بر سر ما بیاور؟! نفرین حضرت نوح (ع) به دنبال اعلام آمادگی کافران برای هلاک شدن بود «فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا». کفار چون منطق ندارند و حرف منطقی را نیز نمی‌پذیرند، پیشنهاد کفایت مذاکرات می‌دهند.

«وَأَوْحِيَ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (هود، ۳۶)؛ (و از جانب ما) به نوح وحی گردید که جز (همان) کسانی که (تاکنون) ایمان آورده‌اند، (افراد دیگر) از قوم تو هرگز ایمان نمی‌آورند، پس از کارهایی که می‌کنند غمگین مباش. از این آیه استفاده می‌شود که نفرین حضرت نوح (ع) درباره‌ی قومش که فرمود: «رَبِّ لَا تَذَرْنَا عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا» (نوح، ۲۷)؛ پرودگارا! احدی از کفار را بر زمین باقی مگذار، بر اساس اطلاعی بود که خداوند طبق این آیه مبارکه به او داده بود. (قرائتی، ۵۴/۴)

۷- مدیریت نوح در صنعت کشتی‌سازی و آمادگی برای اقدام سخت از ۸۰ سال قبل

امام صادق (ع) فرمود: حضرت نوح (ع) کشتی خود را در مدت هشتاد سال ساخت؛ و محل ساخت کشتی، مسجد کوفه و طول کشتی حدود ۴۰۰ متر و عرض آن حدود ۴۰ متر بوده است. (بحرانی، ۱۰۲/۳) از آیه «وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا

مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ» (هود، ۳۸) و آیات دیگر قرآن برداشت می‌شود: ۱- کارگاه کشتی‌سازی حضرت نوح، در محل عبور و مرور مردم بود. «مَرَّ عَلَيْهِ»؛ ۲- به خاطر فشار و حرف مردم، از اصلاحات و زمینه‌سازی برای آیندگان غفلت نشد. «وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ ... سَخَرُوا مِنْهُ»؛ ۳- پیروان نوح(ع)، حضرت را در ساختن کشتی کمک می‌کردند. «إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ»؛ ۴- عبور از امواجی همچون کوه، نشانه‌ی وسعت و بزرگی کشتی نوح و هنر و تخصص پیامبر خدا نوح است.

«وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَ نَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَ كَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَ لَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ» (هود، ۴۲)؛ و آن (کشتی) آن‌ها را از لابلای امواجی همچون کوه پیش می‌برد.

۸- اقدام سخت مدیریتی نوح (ع) در پرتو اذن پروردگار

«فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَ الَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَ أَعْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ» (الاعراف، ۶۴)؛ سرانجام او (نوح) را تکذیب کردند. پس او و کسانی را که در کشتی با او بودند، نجات دادیم و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند غرق کردیم. زیرا آنان گروهی کوردل بودند.

۹- رعایت کودکان در اقدامات سخت

امام رضا(ع) در پاسخ این سؤال که چرا خداوند تمام جهانیان را در زمان حضرت نوح(ع) غرق کرد و حال آنکه در میان آنان اطفال و افراد بی‌گناه نیز بودند، فرمودند: «طفلی در میان آنان نبود، زیرا مدت چهار سال آنان عقیم و نازا شده بودند و بی‌گناهان نیز چون به کار دیگران راضی بودند و رضایت به کار دیگران مانند انجام همان کار است». (ابن بابویه، توحید، ۳۹۲)

۱۰- تدبیر و آینده‌اندیشی مدیریت نوح برای بعد از مقابله سخت

بنابر آنچه در تاریخ آمده است، همه مردم و نسل بشر کنونی از فرزندان نوح(ع) است. «سام» که یکی از فرزندان اوست، پدر نژاد عرب و عجم است، «یافت» که یکی دیگر از فرزندان اوست، پدر ترک و خزر به شمار می‌رود و «حام» فرزند سوم او، پدر سودان

(سیاه‌پوستان) است. در هر حال، مؤمنان به نوح که از کشتی فرود آمدند، یا فرزندی پیدا نکردند، یا فرزندان آنان باقی نماندند. (سبحانی تبریزی، ۱۴۴) این نحوه توزیع نسل آینده از اقدامات آینده‌گرایانه حضرت نوح(ع) بود.

تحلیل داده‌ها

جدول ۱: تحلیل داده‌ها به روش داده بنیاد

کد انتخابی (مضمون)	کد محوری (مقوله)	کد آزاد (مفاهیم)	گزاره‌ها
۱. رویکرد الهی و تقوا به جای رویکرد مادی در مدیریت	توکل بر خدا در مقابل مدیریت با تکیه بر کوه از ویژگی‌های نوح(ع) است	پناه بردن فرزند نوح (ع) به کوه و در مقابل آن پناه بردن نوح(ع) به خداوند متعال	<p>۱ قال سَاوِي إِلَى جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ (هود، ۴۳)</p> <p>۲ وَآتِلْ عَلَيْهِمْ نَبَأُ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذْكِيرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ (يونس، ۷۱)</p>
		حضرت نوح (ع) ۹۵۰ سال مردم را دعوت به توحید کرد، «أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا» آن‌ها نه تنها ایمان نیاوردند، بلکه از آن حضرت دوری کردند.	۳
۲. رفیق و مدارا ویژگی مدیر	صبر و خیرخواهی از ارکان مدیریتی نوح (ع) است	صبر ۹۵۰ ساله حضرت نوح (ع) بر سرکشی مردم و دعا کردن برای آن‌ها تا آخرین لحظه	<p>حضرت نوح را به قدری می‌زدند که بیهوش بر زمین می‌افتاد؛ اما هنگامی که به هوش می‌آمد می‌گفت: «اللهم اهد قومی فانهم لا يعلمون» خدایا! قوم مرا هدایت کن که آنان ناآگاهند.</p>
۳. سعه صدر و دفع بدی با خوبی			۴

<p>۴. الفت و محبت و مدیریت برادرانه و دور از تبعیض</p>	<p>اخلاق و رفتار برادرانه حضرت نوح(ع) با مردم زمان خود و برادرانه بوده است.</p>	<p>اخلاق و رفتار برادرانه حضرت نوح(ع) با مردم زمان خود و درعین حال عدم تبعیض</p>	<p>۵ إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ؛ زمانی که برادرشان نوح به آنان گفت: آیا (از خدا) پروا نمی‌کنید؟... (الشعراء، ۱۰۶)</p>	
			<p>۶ به استناد آیه «قَالُوا أَنْوْمُنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَلُونَ» تبعیت اَرذَلون از نوح(ع) مورد اعتراض قرار گرفته است (الشعراء، ۱۱۱)</p>	
<p>۵. تحت تأثیر همسر و فرزند نبودن در مدیریت</p>	<p>مورد شفاعت قرار نگرفتن همسر پیامبر آن قدر مهم بوده که آیاتی از قرآن به آن تعلق گرفته است.</p>	<p>از عذاب الهی نجات نیافتن خیانت کاران حتی اگر همسر و فرزند پیامبر باشند</p>	<p>۷ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتُ نُوحَ وَامْرَأَتُ لُوطَ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ؛ خدا برای افراد کافر همسران نوح و لوط را نمونه آورده است، آنان در اختیار دو بنده از بندگان صالح ما بودند، ولی به آن دو خیانت ورزیدند و مصاحبت با دو بنده صالح، آنان را از عذاب الهی نجات نداد و به آنان گفته شد با دوزخیان وارد آتش شوید.</p>	
<p>۶. ضابطه نه رابطه</p>	<p>باید بر روابط خانوادگی حاکم باشد.</p>		<p>۸ زن و فرزند نوح، حق سوار شدن به کشتی را نداشتند.</p>	
<p>۷. توجه به محیط زیست در مدیریت</p>	<p>نسل حیوانات و موجودات زنده باید حفظ شود.</p>	<p>آوردن جفت هابیی از موجودات زنده در کشتی</p>	<p>۹ «احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ» (هود، ۴۰)</p>	

<p>۸. مدیریت متعالی، مدیریت بدون بن بست</p>	<p>مدیران خدامحور، به بن بست نمی‌رسند و هنگامی که کار بر آنان سخت شود با دعا و استمداد از قدرت غنی خداوند مشکل خود را حل می‌کنند.</p>	<p>درخواست نوح از خداوند و پاسخ اطمینان بخش باریتعالی</p>	<p>«وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ» (الصافات، ۷۵)</p>	<p>۱۰</p>
<p>۹. مبارزه نرم صبورانه، عالمانه و با زبان لین در مقابل مخالفین</p>	<p>کسی که در پی پدید آوردن نظام توحیدی و براندازی نظام شرک است، باید انتظار هرگونه تهمت و توهین را داشته باشد</p>	<p>پاسخ نرم حضرت نوح(ع) به حمله نرم دشمنان</p>	<p>وَ يَصْنَعُ الْفُلْكَ وَ كَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ؛ و نوح (به فرمان الهی) مشغول ساختن کشتی شد. (اما) هر زمان که اشراف قومش بر او می‌گذشتند، او را مسخره می‌کردند. (او) گفت: اگر شما ما را مسخره کنید، ما (نیز) قطعاً همین گونه شما را مسخره خواهیم کرد. (هود، ۳۸)</p>	<p>۱۱</p>
			<p>قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ سران قوم او گفتند: همانا ما تو را در گمراهی آشکاری می‌بینیم. قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَ لَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ (نوح) گفت: ای قوم من! در من هیچ گونه انحراف و گمراهی نیست، بلکه من فرستاده‌ای از سوی پروردگار جهانیانم. (الاعراف، ۶۰-۶۱)</p>	<p>۱۲</p>

			<p>۱۳</p> <p>أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ؛ پیام‌های پروردگارم را به شما می‌رسانم و خیرخواه و دلسوز شمایم و از (جانب) خدا چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید. (الاعراف، ۶۲)</p>
۱۰. مذاکره قهرمانانه با دشمنان با هدف ارشاد نه دفع شر	جدال نیکو سیره‌ی حضرت توح(ع) بوده است.	خستگی دشمن از جدال احسن نوح(ع) با آن‌ها	<p>۱۴</p> <p>قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ؛ (مخالفان) گفتند: ای نوح! تو واقعاً با ما جدال و جرّ و بحث زیادی نمودی، (اکنون دیگر بس است) اگر راست می‌گویی، آنچه را (از عذاب الهی) که به ما وعده می‌دهی بر سر ما بیاور؟! (هود، ۳۲)</p>
۱۱. اقدام سخت‌گزینه‌ای برای مقابله با اقدام سخت دشمن	پایان دادن به مذاکرات و روی آوردن به اقدام سخت توسط دشمن انجام گرفته است.	خارج شدن مخالفان نوح از جرگه مذاکره و درخواست اقدام سخت	

نتایج مقاله

علی‌رغم اینکه این تصور وجود دارد که حضرت نوح(ع) اقدام مدیریتی انجام نداده لیکن با غور و تعمیق در آیات قرآن کریم نه تنها می‌توان سیره مدیریتی حضرت نوح (ع) را استخراج نمود بلکه به قدری جامعیت دارد که می‌توان این مدیریت به عنوان الگو بیان کرد.

طبق گزاره‌های شماره ۱ تا ۶ و با مصاحبه باز با خبرگان، چهار مضمون به دست آمد که این چهار مضمون، ویژگی‌های حضرت نوح(ع) را به عنوان یک مدیر نشان می‌دهد. این گزاره‌ها قضیه ذیل را ایجاد نمود:

قضیه اول: رویکرد الهی و تقوا به جای رویکرد مادی در مدیریت؛ رفق و مدارا؛ سعه صدر و دفع بدی با خوبی؛ و الفت و محبت و مدیریت برادرانه و دور از تبعیض از

ویژگی‌های مهم مدیریتی حضرت نوح (ع) بوده است.

طبق گزاره‌های شماره ۷ تا ۱۰ و با مصاحبه باز با خبرگان، چهار مضمون به دست آمد که این چهار مضمون، اصول مدیریتی حضرت نوح(ع) را نشان می‌دهد. این گزاره‌ها قضیه ذیل را ایجاد نمود:

قضیه دوم: تحت تأثیر همسر و فرزند نبودن در مدیریت؛ ضابطه نه رابطه؛ توجه به محیط زیست در مدیریت و مدیریت متعالی؛ و مدیریت بدون بن‌بست، اصول مهم مدیریتی حضرت نوح(ع) بوده است.

طبق گزاره‌های شماره ۱۱ تا ۱۴ و با مصاحبه باز با خبرگان، سه مضمون به دست آمد که این سه مضمون، اصول مدیریت حاکمیتی حضرت نوح(ع) را نشان می‌دهد. این گزاره‌ها قضیه ذیل را ایجاد نمود:

قضیه سوم: مبارزه نرم صبورانه، عالمانه و با زبان لین در مقابل مخالفین؛ مذاکره قهرمانانه با دشمنان با هدف ارشاد نه دفع شر؛ و اقدام سخت‌گزینه‌ای برای مقابله با اقدام سخت دشمن اصول مهم مدیریت حاکمیتی حضرت نوح(ع) بوده است.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۹۸.
۳. همو، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳.
۴. همو، أمالی شیخ صدوق، ترجمه: محمدباقر کمره ای، تهران: اسلامیه، ۱۳۷۶.
۵. اسلامی، احمد، مدیریت اسلامی، اصفهان: جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی اصفهان، ۱۳۶۶.
۶. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، جلد ۱، قم: مؤسسه البعثه، ۱۳۷۳.
۷. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، ج ۱، لبنان: بیروت، ۱۳۷۵.
۸. جوادی آملی، عبدالله، معرفت شناسی در قرآن، قم: انتشارات اسراء، ۱۳۸۶.
۹. سبحانی تبریزی، جعفر، منشور جاوید: نخستین تفسیر موضوعی به زبان فارسی، جلد ۱۱ و ۱۲، قم: مؤسسه امام صادق(ع)، ۱۳۸۳.
۱۰. شمس‌الدین، محمد مهدی، نظام حکومت و مدیریت در اسلام، ترجمه: سیدمرتضی آیت الله زاده شیرازی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۱۲. قائمی‌نبا، علیرضا، بیولوژی نص، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی شهرپور، ۱۳۹۳.
۱۳. قرائتی، محسن، تفسیر نور، جلد ۱ تا ۱۰، قم: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸.
۱۴. مشبکی، اصغر، مطالعه تطبیقی اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، مجموعه مقالات نگرشی بر مدیریت در اسلام، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۲.
۱۵. مقیمی، سیدمحمد، اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، تهران: انتشارات راه دانش، ۱۳۹۴.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۱۷. الوانی سیدمهدی، پیروز، خدمتی، شفیع و بهشتی‌نژاد، مدیریت در اسلام، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶.
۱۸. یوسفی‌راد، مرتضی، اندیشه سیاسی قطب‌الدین شیرازی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
19. Stoner, James & Edward, Freeman, Management, London: Prentic-Hall, 1992.



